

زمینه‌های اقتصادی قدرت‌گیری عثمانیها

ماموستا ملاقادر قادری

(مذهب: شافعی ° استان کرمانشاه)

دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه و امام جمعه پاوه

شعیب نادرزاده

کارشناس ارشد تاریخ اسلام

چکیده

با سقوط امپراطوری ایلخانان ایران و برآمدن عثمانیان در آناتولی، مسیر و نحوه بازرگانی این منطقه دچار دگرگونی زیادی شد. عثمانیها شهر بروسه را به بهترین و استراتژیک‌ترین نقطه در تجارت آن روزگار تبدیل کردند. روشن است که در ادامه موفقیت‌های عثمانی، نقش اقتصاد در بالاترین درجه در کنار عوامل مذهبی چون غزا، قرار داشت. ترکان و ترکمانان، که شالوده سپاه عثمانی را در ابتدا تشکیل می‌دادند، در آغاز به عشق غارت و فتوح قدم در این راه پرخطر گذاشتند. البته باید به این نکته مهم اشاره کرد که امنیتی که عثمانیان به وجود آوردند، عاملی تأثیرگذار در پیشرفت بازرگانی و ترقی آسیای صغیر بود.

کلیدواژه‌ها: آناتولی، اقتصاد، تجارت، مراکز بازرگانی، ترکمانان، جمعیت، مالیات.

طرح مسئله

عثمانیها هنگامی که قصد سلطه بر امیرنشینهای دهگانه ترکمان، آسیای صغیر را داشتند، در برنامه‌ریزی خود به عوامل اقتصادی خیلی توجه کرده و در کل عامل اصلی در موفقیت آنها عوامل اقتصادی بوده است. در این مقاله سعی شده است در ابتدا اشاره‌ای به موقعیت و شرایط اقتصادی آناتولی قبل از عثمانیان شود و در ادامه به فعالیتها و اقداماتی که سلاطینی چون عثمان و مراد و وزراء و مشاوران آنها داشته‌اند اشاره شده است، که باعث برتری امارت عثمانی در میان رقبا و حتی در آینده تبدیل به قطب اقتصادی منطقه و محل رجوع بازرگانان شد.

حیات اقتصادی آناتولی در دوران اسلامی

با استقرار امپراتوری وسیع مغولان در سده ۱۳ آناتولی به شاهراه تجارت شرق به غرب بدل شد. لیکن بازرگانانی از حکومت‌های دریانورد ایتالیا نه تنها در جنوب، در آیس و در شمال طرابوزان، با کاروانهایی از شرق دور و ایران می‌آمدند، تلاقی می‌کردند، بلکه از راه زمینی به سیواس و قونیه می‌رفتند. در دوران مغولان، شاهراهی وجود داشت که از ارزروم و ارزنجان و سیواس، تبریز را به قونیه می‌پیوست. ۲۳ کاروانسرای باشکوه از سده ۱۳ هنوز در مسیر

میان سیواس و قونیه باقی مانده‌اند. یک شاخه از این شاهراه از سیواس تا قسطنطنیه به موازات راه دریایی طرابوزان تا قسطنطنیه قرار داشت. در این دو راه اقلام عمده تجارت شرق با غرب عبارت بودند، از البسه گرانبها فلاندر و فلورانس که در شرق اغلب مورد استفاده طبقه بالای جامعه بود و ابریشم چین و ایران. در سده سیزدهم آناتولی نه تنها اروپا را به شرق پیوند می‌داد، بلکه معبری بود در مسیر تجارت جنوب و شمال میان خانات اردوی زرین در شرق و اروپا و سرزمینهای عربی. ادویه، شکر و سایر کالاهای جنوب با پوست خز و بردگان شمال داد و ستد می‌شدند. تجار ایتالیایی این کالاها را از مسیر دریا حمل و نقل می‌کردند، در حالی که بازرگانان مسلمان نیز آنها را از راه زمینی، از انطاکیه به قونیه و سیواس یا از حلب به قیسری، سیواس و سنوب و صامسون می‌بردند. در این دوره شهرهای مرکزی آناتولی مانند سیواس، قیسری، آقسرای، قونیه، آماسیه و آنقره به مراکز مهم داد و ستد بدل شدند. با سقوط امپراتوری ایلخانان ایران در سده ۱۴ و برآمدن عثمانیان در غرب آناتولی، مرکز مستقل سیاسی و تجاری به غرب آناتولی منتقل و این تحول موجب تغییر در الگوی مسیرهای بازرگانی شد. بروسه که تا پایان سده ۱۴ هم مرکز سیاسی و هم مرکز تجاری امپراتوری عثمانی بود، به مهم‌ترین شهر تجاری آناتولی و بارانداز تجارت شرق و غرب بدل شد. تا سال ۱۳۹۱ مراکز بازرگانی آناتولی غربی مانند پالاسیا، التلوگو، افسوس و اسمیرنه (ازمیر) تحت سلطه عثمانیان قرار گرفته بودند و به بروسه می‌پیوستند. در سده ۱۵ شهرهای آماسیه و توقات که در این مسیر قرار داشتند، پس از بروسه به مهم‌ترین شهرهای اقتصادی و فرهنگی آناتولی بدل شدند (اینالجق، ۱۳۸۸ش، صص ۲۰۷ و ۲۰۸).

در روابط قرن هفتم بود که نهادها و کارکردهای خاص ایرانی، مغولی به خصوص نهادهای مالی در آناتولی رواج یافت. مالیات بندی مغولان در آناتولی بسیار سنگین بود. اما در وضعیت مطلوب اقتصادی و بازرگانی منطقه تأثیری نامطلوب نداشت. تولیدات کشاورزی و تجارت داخلی کمابیش ادامه یافت و موجبات پیگیری ساخت و پرداخت آثار عام‌المنفعه را همچنان فراهم ساخت. ایلخانان برای انقیاد حکام محلی مثل قرامانیا و اشرافیه و سایر حکام سرکش، لشکرکشیهایی در آناتولی انجام دادند و خواسته‌های مالی خود را به کرسی نشانند. از جمله لشکرکشی گیخاتو در سال ۶۹۰ق / ۱۲۹۱م بود که در منطقه وحشت پراکند و جنوب آناتولی را تا غرب منتشا و سواحل دریای اژه پاکسازی کرد (باثورت، ۱۳۸۰ش، صص ۱۱۸ و ۱۱۹).

اما باید به این نکته هم اشاره کرد که باز شدن راه آناتولی برای بازرگانی میان مسلمانان و مسیحیان و درآمدن آناتولی به صورت سرزمینی پیشرفته و ثروتمند یکی از نتایج نیک تسلط سلجوقیان بود. در واقع به محض آنکه

آناتولی جزئی از جهان اسلام شد و موانعی که در برابر تجارت بود از میان رفت، دوره‌ای از رشد اقتصادی آغاز شد. ولی همان‌طور که اشاره شد، قبلاً فتوحات ترکان و بیزانسیان و صلیبیان که مدت یک قرن به طول کشید، سبب پیدایش یک تنزل جدی اجتماعی، اقتصادی در آناتولی تا سال ۵۷۲ق/ ۱۱۷۶م شد. با پیروزی قلیچ ارسلان دوم در این سال که سالی قطعی در تاریخ روابط سلجوقیان و بیزانس است، امنیت خارجی و وحدت سیاسی آناتولی استقرار یافت و راههای ترانزیتی بازرگانی مهمی در این ناحیه متمرکز شد. در ادامه به برکت برآمدن سلجوقیان، روشها و نهادهای اقتصادی، مانند به جریان انداختن چک و قرض دادن در مقابل سود و دیگر تدابیر بانکی رواج یافت که پس از آن، توسعه پیدا کرد و به اروپای قرون وسطی نیز منتقل شد. دولت سلجوقی برای تأمین سلامت و آسایش کاروانها تلاش می‌کرد و کاروانسراهایی به صورت موقوفه توسط سلاطین و وزیران ساخته شد (آ.ج. آربری، ۱۳۸۱ش، صص ۳۵۰-۳۵۲).

سلاجقه و رونق بلاد مسلمانان (آناتولی)

۱) حیات اقتصادی قلمرو سلاجقه روم

حیات اقتصادی و بازرگانی در سرزمینهای اصلی سلطنت سلجوقیان روم به خصوص از اوایل سده هفتم / سیزدهم شکوفا شد. تنها در نواحی مرزی بود که به دلیل جنگهای ادواری و تهاجمات، آشفته‌گیهای اقتصادی و اجتماعی رخ داد و نکته دیگر اینکه خود سلاطین علاقه زیادی به شکوفایی کشاورزی قلمرو خود نشان می‌دادند. مالیاتهایی که تشکیلات دیوانی سلجوقیان بر جمعیت مسیحی منطقه می‌بست، کمتر از فشارهای مالیاتی نظام مالی بیزانسیها بود. اما پس از استیلای مغولان بر سلطنت سلجوقیان در اواخر سده هفتم / سیزدهم میزان مالیات طبقات مختلف جامعه افزایش یافت. سرزمین آناتولی تمام مخارج سپاه و تشکیلات مغولان را در آنجا هزینه می‌کرد و در این منطقه مالیاتهایی وجود داشتند که نام آنها معلوم است، ولی ماهیت اصلی آنها شناخته نیست، مثلاً بالش، اینجو، دالای. در بازسازی عمومی مالی امپراطوری ایلخانی در حدود سال ۷۰۰ق/ ۱۳۰۰م تحت نظارت وزیر اعظم مغولان، خواجه رشیدالدین طیب، تلاشی هم برای احیای اقطاع صورت گرفت و در زمان سلاطین متأخر سلجوقی به صورت ملک یا دارایی خصوصی در آمد. با همه اینها قلمرو سلطنت سلجوقیان رو به آبادانی و پیشرفت گذاشت. از این رو تحول چشمگیری در تجارت داخلی و تجارت ترانزیتی آناتولی پدید آمد و نتیجه آن برنامه‌های وسیع بناسازی سلاطین از زمان قلیچ ارسلان دوم در اواخر سده ششم / دوازدهم به بعد و اعیان و اشراف دولت در راههای کاروانی آناتولی در هیأت پلها، کاروانسراها، عمارات و سایر تسهیلات مسافران و تاجران بود. نخستین قراردادهای بازرگانی با قدرتهای

اروپایی، همچون ونیزیان و با در نظر گرفتن دسترسی به تجارت مدیترانه از طریق آنتالیا (۶۱۰-۶۱۳ق/ ۱۲۱۳-۱۲۱۶م) منعقد شد. ضمناً حیات شهری از آن حالت فشردگی و بدبختی اواخر سده ششم / دوازدهم زمان بیزانسیها رهایی یافت و برج و باروهای جدید پیرامون بعضی از شهرها کشیده شد. این شهرها اگرچه مستقل تر از سایر شهرهای جهان اسلام نبودند، اما حیاتی پویا و ارزنده داشتند و اختلاط اقوام و ادیان بر پویندگی آنها افزوده بود (باثورت، ۱۳۸۰ش، صص ۱۵۵ و ۱۵۶؛ برای اطلاعات بیشتر رک: پروند، ۱۳۷۳ش، صص ۴۱ و ۴۲).

جمعیت مراکزی چون قونیه و سیواس و قیصریه و ارزروم در اثر توسعه بازرگانی بین‌المللی در حدود ۱۰۰ هزار نفر شده بود. در این شهرها و در بنادر انطاکیه و سینوپ، محله‌های بازرگانی برای ایتالیاییان و فرانسویان و یهودیان و کنسول‌گریها و کاروانسراها و کلیساهای مخصوص ایشان وجود داشت. مدارس و بیمارستانها و کاروانسراها و آرامگاههای موجود شواهدی بر ترقی اقتصادی و اجتماعی سلجوقیان است. معماری عثمانی که در آن عظمت سیاسی به صورت سنگ جلوه‌گر شده بود، از هنر و سنت سلجوقی برخاسته است. انحطاط تمدن اسلامی و بالخاصه کشورهای واقع در جنوب و شرق ترکیه پس از قرن نهم / پانزدهم و انتقال راههای بازرگانی مهم از مدیترانه به اقیانوسها، پس از اکتشافات اروپاییان و بالاخره تمرکز یافتن امپراطوری عثمانی در استانبول، آناتولی را در خارج این توسعه‌ها قرار داد و اوضاع و احوال و فرصتهای دوره سلجوقی هرگز به این سرزمین بازننگشت (آ.ج. آبروی، ۱۳۸۱ش، صص ۳۵۱ و ۳۵۲).

۲) نظام تقسیم زمین و اراضی در دولت سلجوقی و عثمانی

در زمان سلیمان اول، سلجوقیان زمینهایی را که به اشراف بیزانسی تعلق داشت یا صاحبان آنها مفقود شده بودند، میان بردگان و روستاییان بی زمین تقسیم می‌کردند و به این ترتیب به آنها هم زمین دادند و هم آزادی می‌بخشیدند. از برکت این نظام ملک داری که اساس سیاست کشاورزی و ارضی سلجوقیان و عثمانیان بود، ماندگار شدن مردم محلی یا مهاجر بسیار آسان تر شد و تولید کشاورزی تأمین پیدا کرد و ترکی شدن آناتولی امکان‌پذیر شد. این نظام که زیرنظر دستگاهی نظامی اداره می‌شد، به استقرار یک نظام اجتماعی نیرومند و هماهنگ کمک کرد و مانع پیدا شدن اشراف زمین‌دار از یک سو و روستاییان برده‌دار از سوی دیگر شد. این نظام بدون پیدا شدن تغییری اساسی در آن تا نیمه قرن نهم / پانزدهم ادامه داشت. چون ترکان در قرن اول ماندگار شدن، هنوز به حالت چادرنشین زندگی می‌کردند و به تدریج ماندگار می‌شدند، به روستاییان بومی جهت کشاورزی نیاز داشتند و حتی دسته‌های ۵ هزار نفری را جابه‌جا می‌کردند و نامشان را در دفتر مخصوص ثبت می‌کردند و با دادن مزرعه و خانه و ابزار، وسایل

کشاورزی، بذر و معافیت ۵ ساله از مالیات آنها را تشویق به ماندن و کار کردن می‌کردند، بدین‌گونه نیروی ارزان و متخصص را به آن کارها می‌گماردند. همین امتیازات باعث شد که مسیحیان به فکر حرکت به سوی اراضی سلجوقیان و رهایی از جور و ستم بیزانسیان برآیند و شاهد ورود فوج فوج از این مسیحیان در مرزهای قلمرو سلجوقی که خواستار استفاده و پذیرفتن انقیاد آنها بودند (مراغه‌ای، ۱۳۷۹ش، ص ۱۲۱).

نهضت اعتراضی ترکان و ترکمنها

۱) راهکار دولت سلجوقی در رهایی از اعتراض ترکانها

دولت سلجوقی آناتولی در سال ۴۶۷ق / ۱۰۷۵م پس از تأسیس امپراطوری سلاجقه بزرگ در ایران به وجود آمد که نتیجه مهاجرت عده فراوانی از ترکان بود. نبردهایی که در فاصله ۳۰ سال میان تأسیس امپراطوری و نبرد ملازگرد صورت گرفت، در شکستن مقاومت بیزانسی و هموار کردن راه برای ماندگار شدن ترکان در آناتولی، نقش قاطع داشت. یکی از مسائلی که امپراطوری سلجوقی از آغاز بنیان‌گذاری با آن روبه‌رو بود، مسئله یافتن زمین و وسیله معاش برای گروه کثیری از ترکمنهای مهاجر بود. سلاطین بزرگ سلجوقی، ترکمنها را تهدیدی برای دولت تصور می‌کردند. برای جلوگیری از دزدی و غارتگری آنها در سرزمینهای اسلامی آنها را به هجومهایی در آناتولی تشویق می‌کردند که پیامد این کار علاوه بر موارد فوق کسب زمین و وسیله معاش و زندگی برای این ترکمنهای جنگجوی ناآرام بود (روشن‌پژوه، ۱۳۶۹ش، صص ۴۰ و ۴۱).

۲) فعالیتهای اقتصادی امیرنشینهای ترک

بعد از فعالیت‌های غزایی بایهای آیدین و شکستی که امور بای متحمل شد، آنها سیاست خود را عوض و به تجارت و منافع بازرگانی توجه کردند. خضر، بای جدید آیدین با میانجیگری پاپ با دولتهای مسیحی که در جنگ بودند، قبلاً شریک و برای آنان مزایای فراوان قائل شد و اجازه داد که آزادانه در متصرفات آیدین به تجارت مشغول شوند. آنها مقررات گمرکی را غیرقابل تغییر اعلام کردند، که کشورهای ونیز و قبرس اجازه دادند که در سرزمینهای آیدین، کنسولگری داشته باشند و کشتیهای آنان حق بهره‌برداری از بندرهای کشور او را خواهند داشت. دیگر امیرنشینها چون قراصی، صاروخان، منتشا، آیدین هم که از جنگیدن و پایگاه غذا بودن بازماندند، متوجه بهره‌برداری از منافع بازرگانی شدند. در ادامه پس از انتخاب این روش زندگی جدید، روش زندگی قدیمی و نهادهای اجتماعی اسلامی در سرزمینهای داخلی به تدریج در مرزها راه یافت و رفته رفته راه غالب زندگی شد. از آن پس رهبری غذاها به

دست عثمان افتاد که خط مقدم مرزها را در تصرف گرفتند و به بالکان نفوذ کردند و در آن مستقر شدند (آ.ج.آربری، ۱۳۸۱ش، صص ۳۶۵ و ۳۶۶).

۳) اقتصاد و نقش آن در بر عهده گرفتن رهبری غازیان

فارغ از عواملی که در منابع قدیمی در باب به قدرت رسیدن و رهبری عثمانی بر غازیان و استفاده از آنها در ساختار و اهداف حکومت بیان شد، باید توجه ما بیشتر به عواملی باشد که انگیزه همه فعالیتها در مرزهای باختری آناتولی بود. به عبارت ساده‌تر عواملی از قبیل: فشار جمعیت و احتیاج به گسترش در سرزمینهای دیگر که در نتیجه نهضت مهاجرت از آناتولی مرکزی پیش آمده بود و انحطاط نظام دفاعی بیزانسیان از نواحی مرزی و نیز آرزوی ترکان آناتولیایی برای گریختن از ستم مغولان و شروع کردن به زندگی جدیدی در سرزمینهای تازه. عثمان هنگامی که به تهدید کردن از نیک مشغول شد، پایتخت بیزانس مضطرب شده و همین مسئله بود که باعث شد امپراتوری بیزانس وی را در ردیف بایهای مهم دیگر خاندانهای علیشیر و آیدین و منتشا به حساب آورد. پس از سال ۷۰۱ق/ ۱۳۰۱م شهرت عثمانی و قلمرو وی تا سرزمینهای دور اسلامی گسترش یافت و موجهایی از مهاجران ترک، پیاپی به متصرفات وی روانه شدند. اهمیتی که امپراتور بیزانسی برای تهدید عثمان قائل بود، از آنجا معلوم می‌شد که امپراتوری برای جلوگیری از پیشرفت عثمان در صدد بستن پیمان اتحاد با غازان خان و پس از مرگ وی با الجایتو خان و کشیدن پای مغولان به معرکه برآمد (نادرزاده، بی‌تا، ص ۱۲).

عثمانی و بهره‌برداری از حیات نوظهور اقتصادی

۱) اقدامات اقتصادی و ازدیاد قدرت

از همان زمان که وزارت در عثمانی به عنوان پست و یا مقام رسمی جایی در پهنه قدرت پیدا کرد، وضعیت عثمانی در همه جهان رو به بهبود گذاشت؛ زیرا وزیران که وارد چرخه قدرت می‌شدند، از افراد آگاه و دانشمندان متعهد برگزیده می‌شدند و لیاقت خود را در یک مقطع زمانی کوتاه نشان می‌دادند. اورخان که برادرش علاءالدین را به وزارت گماشت و اولین وزیر عثمانی نام گرفت، می‌دانست که او در فکر قدرت گرفتن و تاج و تخت نیست، بنابراین اختیار تام به او داد و نتیجه آن را هم مشاهده کرد. او دو اقدام اساسی یکی سازندگی و ساماندهی داخلی و دیگری فتوحات را همراه با هم آغاز نمود. او زمینهای ترکی اطراف دریای مرمره و اژه را دو برابر کرد و شهر قراسی را متصرف شد. در ادامه سپاه ینی چری که خیلی نیرومند و قوی بودند را تشکیل داد. این سپاه لشکر پیاده

نظام بود که پایه و اساس فرزندان مسیحی ساکن در سرزمینهای فتح شده بودند که در خدمت دولت عثمانی درآمدند (بروکلمان، ۱۹۷۷م، صص ۴۰۹ و ۴۱۰).

۲) تغییرات و حرکت به سوی پیشرفت

علاءالدین در قانوننامه‌اش سه تکلیف را به اورخان داده بود که باید سریع قبول می‌کرد. سکه زدن، قبول کردن لباس مخصوص برای خود و ملت تحت سلطه‌اش، و ترتیب و مرتب کردن ارتش. اورخان به دستور وزیر و برادرش، قشون دایمی را دایر کرد و برایشان مقرری تعیین کرد و آنها را پیاده‌نামید و در دسته‌های، دهی، صدی، هزاری تقسیم نمود. او منصبهای ده‌باشی، یوزباشی و سرهنگ را برای آنان تعیین کرد. بعدها این سپاه به خاطر مستمری دائمی که داشتند، مغرور و متعرض مردم می‌شدند که علاءالدین را بر آن داشت تا طرحی دیگر دراندازد و به همکاری چندرلی مسئول لشکر اورخان، طرح قشون تازه به نام ینی چری را بیندازد که به معنی قشون تازه است. اسم این طایفه با رنگ و ترکیب کلاه ایشان که از حاجی بکتاش درویش به آنها رسیده است، در اروپا و آسیا به شهرت رسید. در ابتدا تعداد این سپاه هزار نفر بود و هر سال هزار نفر از بچه‌های مسیحیها را که اسیر شده بودند، مجبور به پذیرش اسلام نموده و داخل سپاه می‌کردند و این رسم ادامه یافت. این تعداد در دوره سلطان محمد دوم به ۱۲ هزار و دوره سلطان سلیمان به ۲۰ هزار و دوره سلطان محمد چهارم به ۴۰ هزار نفر می‌رسیدند (پورگشتال، ۱۳۶۷ش، صص ۸۸ و ۹۱-۹۳).

۳) نظام دوشیرمه (دفشیرمه) سپاه ینی چری

کوران مهاجرت عشایر ترک به آسیای صغیر از قرن ۵ تا ۷ هجری بود، تحولات آسیای مرکزی و ایران بر روند کوچ به آسیای صغیر و به ویژه مهاجرت عشایر ترک مؤثر بود. برای نمونه جنبش مغولان و یا یورش تیمور از عوامل اوج‌گیری مهاجرتها به آناتولی بودند. اما به هر روی طبیعی بود که به تدریج از میزان مهاجرت کاسته می‌شد و این در حالی بود که بر میزان نیاز دولت رو به توسعه عثمانی به مردان جنگی افزوده می‌شد و همچنین طبیعی بود که با تبلیغ معیشت کوچ‌نشینی، یک‌جانشینی و ازدیاد ثروت رفته رفته انگیزه‌های غازیگری عشایر ترک کاهش می‌یافت، از سوی دیگر عثمانی درصدد ایجاد ارتش منظمی بود که وابسته و تحت نظارت سلطان باشد و نه فرمانده نظامی صاحب تیمار (اقطاع، تیول) و یا خان و امیر ترک، بنابراین سنت دفشیرمه که در لغت به معنای جمع‌آوری و در اصطلاح به معنی جمع‌آوری جوانان است را بنا نهادند. دفشیرمه سربازگیری دوره‌ای از میان پسران خانواده‌های مسیحی بالکان بود. سازماندهی نظامی جدید از میان بردگان باب عالی (قصر و قدرت سلطانی) یا قوللری آغاز شد.

این غلامان بچه‌های خانواده‌های پرجمعیت مسیحی سرزمینهای مفتوحه بودند که به جای قسمتی از وجه خمس به جای پول اخذ می‌کردند.

نظام جمع‌آوری ایشان همان‌گونه که گفته شد دفشیلمه خوانده می‌شد که در دوره‌های بعد به خصوص دوره بایزید در مقیاس وسیع‌تر صورت گرفت. این مسیحی‌زادگان نوجوان در آموزشگاههای ویژه نظامی با مقررات و ضوابط خاص و سخت آموزش می‌دیدند و پرورش می‌یافتند. معارف اسلامی، زبانهای ترکی و عربی و آداب زندگانی عثمانی به ایشان تعلیم داده می‌شد و آموزشهای ویژه نظامی می‌دیدند. ازدواج و ثروت‌اندوزی برای ایشان ممنوع بود. کانون مذهبی و به تعبیر دیگر پشتوانه معنوی ایشان را به اصطلاح اجاق این ارتش، اجاق بکتاشیه تعیین می‌شد. طریقتی که بار عقیدتی آن بیشتر شیعه بود تا سنی، ایشان همواره تحت ارشاد پیروان بکتاشی قرار داشتند. این غلامان شاه پدر و بزرگی جز سلطان عثمانی نمی‌شناختند. اینان ینی چری یا ینگی چری یا سپاه جدید بودند. البته روشن است که مقررات سربازخانه‌های ینی چری که به دیرهای نظامی می‌ماند، در طول زمان از شدتش کاسته شد و ینی چری نیز دستخوش آفات و فساد و انحطاط گردید، تا نهایت در واقعه موسوم به فرخنده در عهد محمود دوم منحل شد. پشتوانه معنوی سپاه ینی چری، اجاق بکتاشی بود. پیوند میان بکتاشی‌گری و تشیع به معنای عام که شامل تشیع عاطفی، سیاسی و غلات شیعه را شامل می‌شود (یاقی، ۱۳۷۹ش، صص ۳۵ و ۳۶).

۴) اقدامات اقتصادی اروخان مراد

اورخان در طی حکومتش به مسئله گسترش دامنه فتوحات و نظام‌مند کردن دولت اهمیت زیادی می‌داد. او مجموعه‌ای از مقررات و قوانینی برای تنظیم و اداره امور، ضرب سکه‌های طلا و نقره و تأسیس ارتش جدید صادر کرد. وی در ادامه پروژه ازدیاد قدرت و قلمرو خود جزیره گالیپولی را گرفت و قسطنطنیه را محاصره کرد. امپراطوری بیزانس معاهده‌ای را با اورخان امضا و ترکیه را در زیر سلطه عثمانی پذیرفت و دخترش را به پسر اورخان، خلیل نام داد (بروکلمان، ۱۹۷۷م، صص ۴۱۰-۴۱۵).

در سال ۷۶۲ق / ۱۳۶۰م ادرنه که اهمیت استراتژیک بسیار زیادی در بالکان داشت، که دومین شهر مهم بعد از قسطنطنیه بود، فتح شد و از سال ۷۶۸ق این شهر توسط مراد، پایتخت عثمانی شد. نکته مهم تا این تاریخ، انتقال پایتخت از آسیای صغیر به اروپا بود و تغییر شهر مسیحی به یک شهر مسلمان‌نشین بود. به چند دلیل این اقدام صورت گرفت: استحکامات نظامی و نزدیکی به میادین جنگ در اروپا - فرصتی جهت استوارسازی قدرت و باور کردن این پیشرفتها - استفاده از این شهر در جهت تشکیل سپاه که از فرزندان خاندانهای نصرانی تشکیل می‌شد،

همچنین در این شهر بود که دسته‌های نظامی و رجال قانونی و دینی و مردان آگاه و بازرگانان و تجار سروسامان گرفتند. این شهر تا زمانی که قسطنطنیه توسط عثمانیها فتح شد این موقعیت استراتژیک و حساس را حفظ کرد (همان، ص ۴۱۶؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک: بروکلمان، بی‌تا، صص ۳۶ و ۳۷).

۵) بازرگانی دوره عثمانی

بازرگانان مسلمان در امنیت به وجود آمده به خاطر اقدامات عثمانیان توانستند به عربستان، ایران و بروسه و سایر نقاط بیابند و برای بازرگانان اروپایی مانند تجار ونیزی و جنوایی و فلورانسی مقیم قسطنطنیه و غلظه، دو مرکز مهم تجارت در حوزه مدیترانه بود. بروسه نزدیک‌ترین بازاری بود که در آن کالاهای شرقی و پارچه‌های پشمی اروپایی داد و ستد می‌شد. این بطوطه جهانگرد مشهور در خاطرات خود نوشته که اورخان ثروتمندترین سلاطین ترکمن آناتولی است. در اواخر ۱۳۵۲ جنواییها با عثمانیان یک توافق‌نامه تجاری منعقد کردند و در اواخر سده ۱۴ شیلتبرگر، تجارت و صنعت ابریشم بروسه را با تجارت و صنعت ابریشم دمشق و مکه مقایسه و خاطر نشان می‌کند، ابریشم ایران از بروسه به ونیز و لوکا (Lucca) و از آنجا به مراکز صنعت ابریشم در اروپا ارسال می‌شد. تجارت ابریشم ایران در این زمان محور اصلی توسعه و شکوفایی مادی بروسه بود. در سده ۱۵ صنعت ابریشم اروپا به نحوی چشمگیر توسعه یافت و بروسه به بازار بین‌المللی ماده خام این صنعت؛ یعنی ابریشم اعلاای استرآباد و گیلان در شمال ایران بدل شد (اینالچق، ۱۳۸۸ش، ص ۲۰۹).

۶) اصول فتودالیسم در عثمانی

عثمانیان اصول فتودالیسم را رعایت کردند. در ابتدا از امرای تابع، تنها خواهان خراج سالانه اندکی به عنوان نشانه تابعیت آنان از حکومت اسلامی بودند. بعداً خواهان این شدند که پسر امیر دست‌نشانده باید به عنوان گروگان نگهداری شود. امیر دست‌نشانده باید سالی یک نوبت جهت انجام بیعت به دربار عثمانی بیاید و در آستانه هر لشکرکشی سلطان، نیروی کمکی بفرستد. امرای دست‌نشانده موظف بودند با دوستان و دشمنان سلطان مانند دوستان و دشمنان خود رفتار کنند. چنانچه امیر دست‌نشانده در انجام این تکالیف کوتاهی می‌کرد، قلمرو او دوباره دارالحرب می‌شد و مورد یورش بی‌رحمانه قرار می‌گرفت. تحقیقات نشان داده است که انحطاط قدرت مرکزی در امپراطوری بیزانس و حکومت‌های جانشین آن در بالکان مصادف بود با ظهور فتودالیسم. صومعه‌ها و اشخاص منتفذ در ایالات در حال کسب مالکیت اراضی پیرونویا (Pronoia) بودند که پیش آنها میان لشکریان توزیع می‌شد. با دریافت

امتیازهای مالی و حقوقی از حکومت، آنان این اراضی را به املاک مادام‌العمر بدل کردند و توانستند مالیاتها و وجوه فئودالی را که از دهقان اخذ می‌شد، افزایش دهند (همان، صص ۲۵ و ۲۶).

در مناطق تحت نظارت مستقیم دیوان عثمانی، این اراضی دوباره در اختیار حکومت قرار گرفتند و یا به تیمار بدل شدند و یا در قبال انجام خدمت نظامی، میان پایه‌های دهقانان ترک که در ارتش خدمت می‌کردند، توزیع شدند. همه مالیاتهای محلی که در قوانین ساده مالیاتی عثمانی قید نشده بود، حذف شدند. تنها حکم سلطان می‌توانست هرگونه درآمد یا امتیازی را برقرار کند. نظام حقوقی عثمانی، دیوانی متمرکز به جای تمرکززدایی فئودالی و قوانین فراگیر به جای مالیاتها و امتیازهایی برقرار کرد که تعیین آنها در صلاح‌دید اربابان فئودال بود. در یک مقایسه جالب برای درک بهتر دیوان عثمانی نسبت به نظام اداری اقتصادی محلی بالکان، قوانین عثمانی را با قانون پادشاه صرب، استفان اوشان مقایسه می‌کنیم که در قانون او دهقانان موظف بودند دو روز در هفته برای ارباب خود کار کنند، ولی در قانون عثمانی رعایا را ملزم می‌کرد تنها سه روز در سال اراضی سپاهیان کار کنند، در عین حال حمایت از دهقانان در برابر سودجویی مقامات محلی یک اصل بنیادین دیوان عثمانی بود (همان، صص ۲۷ و ۲۸).

نتیجه

سر و سامان دادن آن عده مهاجر ترکمن در آناتولی که در جستجوی وضعیت معیشتی بهتری بودند، تنها از عهده سلاطین عثمانی بر می‌آمد. آنها با برنامه‌ریزی دقیق از این نیروی رایگان استفاده کرده و آنها را برای ادامه فتوحات و غزا به کار می‌بردند. عثمانیان شرایطی را در ادامه فراهم آوردند که فعالیتهای تجاری و بازرگانی در منطقه رو به بهبود گذاشته و قلمرو عثمانی تبدیل به قطب بازرگانی حتی در جهان آن روز گردید. قوانین و تنظیماتی از سوی حاکمان وضع شد که باعث تسهیل تجارت و رونق بازرگانی و در کل تبدیل شدن کشور به امپراتوری گردید.

فهرست منابع و مآخذ

۱. آ.ج. آربری، برتولد اشیپولر؛ لمپتون، برنارد لوئیس، *تاریخ اسلام کمبریج*، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱ ش.
۲. اینالچق، خلیل، *امپراطوری عثمانی عصر مقدم (۱۳۰۰-۱۶۰۰)*، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران، بصیرت، ۱۳۸۸ ش.
۳. باثورت و دیگران، *سلجوقیان*، ترجمه یعقوب زند، تهران، انتشارات مولى، ۱۳۸۰ ش.
۴. بروکلمان، کارل، *تاریخ الشعوب الاسلامیه*، ترجمه بنیه امین فارس و منیر بعلبکی، بی‌جا، ۱۹۷۷ م.
۵. همو، *دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال*، بی‌تا.
۶. پروند، شادان؛ و سبحانی، زهرا، *زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌الملل، ۱۳۷۳ ش.
۷. پورگشتال، هامر، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، ترجمه میرزازی علی‌آبادی، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۷ ش.
۸. روشن‌پژوه، فاضل، «دلایل مهاجرت ترکمنها به آسیای صغیر»، تهران، دانشکده الهیات، گروه تاریخ تمدن، ۱۳۶۹ ش.
۹. مراغهای، محسن، *نظامهای مالیاتی حکومتهای ترک*، تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۷۹ ش.

۱۰. نادرزاده، شعیب، «عوامل اقتصادی و نقش آن در فتوحات»، کرمانشاه، مجله دانشکده الهیات و معارف اسلامی، سال اول، شماره ۸.
۱۱. یاقی، اسماعیل احمد، دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ترجمه رسول جعفریان، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ش.

